فهرست مطالب

[اشاره 2](#_Toc503949053)

[تأخیر نیانداختن امور مستحبه و واجب و تسریع در انجام آن‌ها 2](#_Toc503949054)

[تسریع در انجام عمل مستحب یا واجب، در زمان وجود کامل شرایط آن عمل 2](#_Toc503949055)

[نهی از تعجیل مذموم 2](#_Toc503949056)

[موقت بالذات و بالعرض 3](#_Toc503949057)

[احکام تکالیف با بازه زمانی موسع 3](#_Toc503949058)

[قوانین در بازه زمانی موقت که شرایط تکلیف جمع است 4](#_Toc503949059)

[قوانین اعمال خیر و تربیتی دارای ظرف زمانی 4](#_Toc503949060)

[قوانین خود ظرف زمانی 4](#_Toc503949061)

[مصادیق قانون تدریج 4](#_Toc503949062)

[معانی تدریج 5](#_Toc503949063)

[تدریج مقابل تعجیل و تدریج مقابل تسریع و تسابق 5](#_Toc503949064)

[عدم ارشادیت؛ به صرف وارد شدن در دلیل شرع و حکم عقل 6](#_Toc503949065)

[نگاه کلی بحث‌های مذکور تعلیم و تربیت، و تشکیل یک منظومه 6](#_Toc503949066)

بسم الله الرحمن الرحیم

**موضوع: اصول و روش‌های تربیتی/ اصل تدریج و تسریع در تربیت**

# اشاره

بحث در اصول عامه تعلیم و تربیت بود، به اصل تدریج و در ضمن آن به اصل تسریع پرداختیم، مطابق با ادله‌ای که ملاحظه شد، جمع‌بندی ما هم به این شکل است که دو قانون یکدیگر را تکمیل می‌کند و در کنار هم قرار می‌گیرد.

# تأخیر نیانداختن امور مستحبه و واجب و تسریع در انجام آن‌ها

 اینکه در انجام وظایف و تکالیف، از جمله تکالیف تربیتی، تأخیر نکنید، تأخیر درست نیست، بلکه تسریع و تسابق لازم یا راجح است، هنگام رسیدن وقت عمل و فراهم بودن شرایط ، تأخیر نیاندازید و با نگاه ایجابی تسریع و تسابق داشته باشید، میان تسریع و تسابق یک تفاوتی است، تأخیر از وقت عمل و وقت اقدام، گاهی حرام و گاهی مرجوح است، علاوه بر این؛ تسریع و تسابق گاهی لازم و گاهی راجح است، علی‌القاعده به‌عنوان اصل اولی راجح است.

در دو مرحله در اینجا حکم شرعی وجود دارد:

1 - وقتی هنگام عمل فرا رسید و شرایط فراهم بود، تأخیر روا نیست، گاهی حرام و گاهی مکروه است.

2 – قانون دوم این است که تسریع و تسابق راجح است.

# تسریع در انجام عمل مستحب یا واجب، در زمان وجود شرایط عمل

آنگاه‌که شرایط یک عمل؛ از جمله عمل تربیتی فراهم است، مقدمات آن آماده است، وقت آن فرارسیده است، این دو قانون جاری می‌شود، یکی اینکه تأخیر از این شرایط و موقعیت درست نیست، دوم اینکه در شرایط موجود که حالت موسعی دارد، تسریع و تسابق لازم یا راجح است.

# نهی از تعجیل مذموم

طرف دیگر این است که تعجیل که همان شتاب نسنجیده است، این هم درست نیست، اینکه هنوز وقت عمل نرسیده است، شرایط فراهم نیست، زمینه واجب یا مستحب آماده نیست، در این صورت قانون عدم تعجیل است.

همچنین در آنجایی که دامنه انجام تکلیف موسع است، شتاب بگیر، اما اگر در جایی شتاب موجب تأثیر کمتر عمل می‌شود، یا آسیبی ایجاد می‌کند، در آنجا می‌فرمایند که در وقت عمل آرام‌تر جلو بروید، در این صورت تدریج است.

بنابراین اگر بخواهیم برای اعمال واجب و مستحب؛ ظرف زمانی در نظر بگیریم، یا موقت به معنای اصولی است، «**أَقِمِ الصَّلاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلي غَسَقِ اللَّيْلِ**»[[1]](#footnote-1) که موقت است، یا مثلاً در این سنین تعیین‌شده که نماز را به فرزند آموزش بدهید، گاهی هم موقت به آن معنا نیست، اما برای عمل شرایطی ذکر شده است که آن شرایط یک ظرف زمانی در برمی‌گیرد، خود دلیل موقت نیست، اما اگر بخواهد شرایط عمل رعایت بشود، بازه زمانی را تعیین می‌کند.

قسم اول موقت بالذات است، «**لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلي غَسَقِ اللَّيْلِ**»، یا به طور مثال می‌فرمایند در شش‌سالگی به فرزندتان نماز یاد بدهید، گاهی هم موقت بالعرض است، تکلیف می‌گوید که این اقدام را با این شرایط و ضوابط باید انجام بدهید، آن شرایط و ضوابط که لحاظ می‌شود، این بازه زمانی از آن بیرون می‌آید.

# موقت بالذات و بالعرض

موقت بالذات یعنی در خود دلیل؛ مبدأ و فرجام عمل زمان‌دار است، موقت بالعرض یعنی زمان در دلیل نیامده است، بلکه این تکلیف دارای شرایط و ضوابطی است که آن شرایط و ضوابط در یک بازه زمانی مصداق دارد.

# احکام تکالیف با بازه زمانی موسع

تکالیفی که دارای بازه زمانی هستند، البته یک بازه زمانی موسعی هم دارند، در این تکالیف چند حکم وجود دارد:

1 – تکلیف از ظرف زمانی‌اش تأخیر انداخته نشود.

2 – تقدیم قبل از زمان عمل به تکلیف هم صحیح نیست، تعجیلی است که مطلوبیتی ندارد و مذموم است.

این تأخیر و تعجیل در دو طرف قضیه است، در همه تکالیف، از جمله تکالیف تربیتی که بازه زمانی معین دارد، موجود است.

# قوانین در بازه زمانی موقت با جمع شرایط تکلیف

در بازه زمانی موقت که شرایط تکلیف جمع است، دو قانون است:

1 – تسریع و تسابق

2 – تدریج

اینکه در یک بازه زمانی ولو تسریع و تسابق خوب است، اما گاهی تسریع و تسابق ضریب نفوذ یا ارزش عمل را پایین می‌آورد، در این صورت با درجاتی که هست، باید آرام‌تر عمل را به نتیجه رساند، مثلاً امربه‌معروف و نهی از منکر یا هدایت شخصی بر عهده آن فرد است که باید به‌تدریج انجام بپذیرد.

بعضی از این قوانین در تعلیم و تربیت به خاص دلیل دارد، بعضی از آن‌ها هم دلیل ندارد، اما مشمول قوانین عامه است.

# قوانین تربیتی دارای ظرف زمانی

در اینجا وقتی یک عملی که دارای یک شرایط و ضوابطی است که یک ظرف زمانی را یا بالذات یا بالعرض اقتضا می‌کند، در این عمل خیر و تربیتی واجب یا مستحب که دارای یک ظرف زمانی است، چند قانون وجود دارد:

1 – قانون اول این است که تأخیر از آن ظرف زمانی جایز نیست یا مرجوح است.

2 – قانون دوم این است که تقدیم بر آن ظرف زمانی که بالذات یا بالعرض تعیین‌شده است، تعجیل مذموم است، برای اینکه مصداق تکلیف نیست.

# قوانین تربیتی در داخل ظرف زمان

در خود ظرف زمانی هم دو قانون است:

1 – قانون تسریع و تسابق

2 – قانون تدریج

 این تدریج بر اساس تزاحمات و ملاک‌های مکمل تسریع و تسابق هستند، به طور مثال اگر در تربیت فردی تسریع بشود، شاید به نتیجه خوبی نرسد، لذا باید با تدریج انجام شود که نتیجه بهتری بدهد.

# مصادیق قانون تدریج

قانون تدریج دو مصداق دارد:

1 –اگر کار را با سرعت و قبل از زمان عمل انجام بدهد، در این صورت تعجیل مذموم است.

2 – اگر با سرعت عمل را انجام بدهد، تکلیف را عمل می‌کند، اما در اینجا با یک عنوان دیگری مزاحم شده است که آن اهم است، لذا می‌گوید که در اینجا تسریع نکن.

یکی از نکاتی که در اینجا اهمیت دارد، این است که اصل تدریج، گاهی تدریج در مقابل آن تعجیلی است که مقابل انجام تکلیف است، گاهی هم آن بازه‌ای است که ظرف موسع بود و تسریع و تسابق هم ممدوح است، منتهی در شرایطی قرار گرفته است که ملاکات تزاحم پیدا کرده است، لذا تدریج بهتر است، برای اینکه ماندگاری عمل را افزایش می‌دهد.

# معانی تدریج

تدریج دو معنا دارد:

1 – اقدام نکردن قبل از فرا رسیدن موقعیت عمل.

2 – وقتی‌که موقعیت عمل است، اگر شتاب موجب می‌شود عمق عمل کم بشود، در این صورت اگر به صورت تدریجی انجام بشود، اثرش بیشتر است.

قانون تدریج گاهی قانون الزامی است، به این معنا که قبل از اینکه موعد عمل برسد، بدون اینکه احتمال تأثیر داده شود، در این صورت می‌گوید که اقدام نکن، این اقدام گاهی ارزش ندارد و گاهی حتی ممکن است ضد ارزش باشد.

گاهی شرایط عمل رسیده و می‌تواند اقدام بکند و تسریع هم خوب است، اما اگر به‌تدریج عمل تربیتی را انجام بدهد، نتیجه بهتری می‌گیرد و عمق بیشتری پیدا می‌کند، در این صورت گاهی این تدریج تعین پیدا می‌کند و گاهی هم ترجیح پیدا می‌کند، اگر ترجیح پیدا بکند، مصداق دوم تدریج می‌شود.

# تدریج مقابل تعجیل و تدریج مقابل تسریع

گاهی تدریج مقابل تعجیل است و گاهی مقابل تسریع و تسابق است. مقابل تعجیل، یعنی در آنجا تکلیف نیست، مقابل تسریع و تسابق؛ یعنی در تزاحم این طرف با توجه به ملاکاتی ترجیح دارد.

به این صورت در کتب تعلیم و تربیت نیامده است، در کتب تعلیم و تربیت این‌طور بیان شده که اصلی بنام تدریج است، مقصود این است که مراحل رشد و شخصیت فرد و امثالهم رعایت بشود، اصولاً اقدامات سریع دفعی، کمتر اثر می‌گذارد و لذا تربیت تدریجی انجام بشود.

ما معتقد هستیم که این منطق فقهی که بیان کردیم، منطق عقلی است، یعنی اگر خود روان‌شناس کاری به شریعت و ادله‌ای که بیان شد، نداشته باشد، احکام عقلیه‌ای در اینجا هست، یکی از ادله تسریع و تسابق، حکم عقل است، یکی از ادله تدریج هم حکم عقل است.

# عدم ارشادیت؛ به صرف وارد شدن در دلیل شرع و حکم عقل

به صرف اینکه چیزی در دلیل شرع وارد شد و عقل هم در آنجا حکمی دارد، دلیل نمی‌شود که بگوییم ارشاد است، بلکه به یک معنا ارشاد و به معنای دیگر ارشاد نیست و مولوی است.

بعضی از این‌ها اختصاص به تعلیم و تربیت دارد و بعضی از آن‌ها عام است، منتهی در تعلیم و تربیت هم جاری می‌شود، گاهی هم عام است و در تعلیم و تربیت دلیل خاص دارد.

# منظومه قوانین زمانمند در تعلیم و تربیت

همه تلاش در نگاه کلی به این بحث‌هایی که بیان شد، این بود که نشان بدهیم چند قانون کنار هم در یک منظومه قرار می‌گیرند:

1 - قانون تسریع و تسابق

2 - قانون تأخیر

3 - قانون تعجیل

4 - قانون تدریج

این چهار قانون یک منظومه هستند، همه‌اش یک وجوه فقهی دارد که این‌ها را در یک منظومه قرار می‌دهد.

1 - قانون تعجیل؛ یک قانون اصل سلبی است، گاهی حرام است، گاهی مکروه است، گاهی مباح است.

2 – تأخیر از شرایط عمل نباید انجام بشود، گاهی حرام و گاهی مکروه است.

3 – در بازه زمانی که شرایط عمل فراهم است، تسریع و تسابق انجام بشود.

4 – با ملاحظه عوامل مزاحم تسریع و تسابق، عمل در مواردی باید مرحله‌ای و تدریجی انجام بشود.

1. - سوره اسراء آیه 78 [↑](#footnote-ref-1)